



History & Culture

تاریخ و فرهنگ

HomePage: <https://jhistory.um.ac.ir/>

Vol. 58, No.1: Issue 116, Spring & Summer 2026, p.197-220

Online ISSN: 2538-4341



Print ISSN: 2028-706x

Receive Date: 21-02-2026

Revise Date: 20-05-2026

Accept Date: 07-06-2026

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhistory.2026.97955.1440>

Article type: Research Article

Discourses of Tradition and Modernity in the Mashhad Press during the Constitutional Era: Representing the Political, Social, and Economic Discourses through a Foucauldian Lens

Dr. Mohammad Ali Alizadeh (Corresponding Author), Associate Professor, Department of History and Civilization of Muslim Nations, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Email: 0701461950@iau.ac.ir

Ebrahim Hafezi , PhD Candidate, Department of History and Civilization of Muslim Nations, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Dr. Abolfazl Hasanabadi, PhD in History, Department of History and Civilization of Muslim Nations, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Abstract

The Iranian Constitutional Revolution (1285-1304 A.S./1906-1925 A.D.) was a major arena for the contest between the discourses of tradition and modernity. The present article studies the ways in which these two discourses were represented in the press of Mashhad. Drawing on Michel Foucault's concept of "power/knowledge," the study employs qualitative discourse analysis to examine six prominent newspapers from Mashhad: *Khurshid*, *Bisharat*, *Tūs*, *Sharq-i Īrān*, *Jahān-i Zanān*, and *Bahār*. The sample under study consists of 175 key texts (articles and editorials) from the Constitutional period. Findings indicate that the press in Mashhad did not merely reflect the news. Rather, they functioned as forces of "technology of power" and redefined concepts such as "law," "freedom," "justice," and "national identity." Through various discursive strategies (such as the synthesis of religious and modern concepts or the construction of new forms of subjectivity) these media outlets sought to break the traditional order of discourse and construct a new subject (the informed citizen). The study illustrates that a Foucauldian approach to discourse analysis can uncover the hidden mechanisms through which truth was produced in the Constitutional era press and shed light on the active role of the media in society's transition to modernity.

Keywords: Iranian Constitutionalism; Mashhad Press; Discourse of Modernity; Discourse of Tradition; Foucauldian Discourse Analysis.



Authors retain the copyright. This is an open access article distributed under [Creative Commons Attribution 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).



سال ۵۸ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۶ - بهار و تابستان ۱۴۰۵، ص ۲۲۰ - ۱۹۷	HomePage: https://jhistory.um.ac.ir
شاپا چاپی X ۷۰۶ - ۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱ - ۲۵۳۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۷
DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2026.97955.1440	نوع مقاله: پژوهشی

گفتمان‌های سنت و مدرنیته در مطبوعات مشهد عصر مشروطه: بازنمایی گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی باتکیه بر نظریه فوکو

دکتر محمدعلی علیزاده (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران

Email: 0701461950@iaui.ac.ir

ابراهیم حافظی 

دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران

دکتر ابوالفضل حسن آبادی

دکترای تاریخ، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران

چکیده

انقلاب مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۰۴ ش) صحنه کشمکش میان گفتمان‌های سنت و مدرنیته در ایران بود. این پژوهش به بررسی نحوه بازنمایی این دو گفتمان در مطبوعات شهر مشهد می‌پردازد. باتکیه بر نظریه «قدرت/دانش» میشل فوکو، از تحلیل گفتمان کیفی برای واکاوی ۶ روزنامه شاخص مشهد؛ خورشید، بشارت، طوس، شرق ایران، جهان زنان و بهار بهره گرفته‌ایم. نمونه‌های مورد مطالعه شامل ۱۷۵ متن کلیدی (مقالات و سرمقاله‌ها) از دوره مشروطه است. یافته‌ها نشان می‌دهد مطبوعات مشهد نه تنها اخبار را بازتاب نمی‌دادند، بلکه خود در مقام «تکنولوژی قدرت» به بازتعریف مفاهیمی مانند «قانون»، «آزادی»، «عدالت» و «هویت ملی» می‌پرداختند. این رسانه‌ها از طریق استراتژی‌های گفتمانی (نظیر تلفیق مفاهیم دینی و مدرن یا سوژه‌سازی نوین) تلاش کردند نظم گفتار سنتی را بشکنند و سوژه‌ای جدید (شهروند آگاه) بسازند. درعین حال مقاومت ساختارهای سنتی و مذهبی، برخی خطوط قرمز را ایجاد می‌کرد. این تحقیق نشان می‌دهد تحلیل گفتمان فوکویی قادر است لایه‌های پنهان تولید حقیقت در مطبوعات مشروطه را آشکار سازد و نقش فعال رسانه‌ها در گذار جامعه به مدرنیته را تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: مشروطه ایران، مطبوعات مشهد، گفتمان مدرنیته، گفتمان سنت، تحلیل گفتمان فوکویی.

مقدمه

در آستانه قرن بیستم، انقلاب مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۰۴ ش) تحولی بنیادین در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد. این نهضت نه تنها ساختارهای سلطنت مطلقه را به چالش کشید، بلکه بستری نو برای شکل‌گیری و منازعه گفتمان‌های سنت‌گرایانه و مدرن‌گرایانه فراهم ساخت. این دوران، فضای منازعه میان گفتمان سنت‌گرا و گفتمان مدرنیته برای استقرار یک «رژیم حقیقت»^۱ جدید محسوب می‌شد. در این میان، مطبوعات به عنوان یکی از نخستین نهادهای مدرن ارتباطی، نقشی کلیدی در بازتعریف مفاهیم بنیادین همچون «ترقی»، «آزادی»، «عدالت»، «قانون»، «هویت ملی» و «آموزش» ایفا کردند.

شهر مشهد به دلیل بافت موقعیتی خاص، یعنی حضور نهادهای سنتی قدرتمند مانند آستان قدس رضوی و جایگاه مذهبی ویژه و هم‌زمان مواجهه با اندیشه‌های نوسازی و مشروطه‌خواهی، کانون تلاقی، تنش و گاه تلفیق میان سنت و مدرنیته را فراهم آورد. مطبوعات مشهد در این بازه زمانی، نه تنها بازتاب‌دهنده تحولات سیاسی و اجتماعی بودند، بلکه خود به عنوان فضایی گفتمانی، در شکل‌گیری هویت نوین سیاسی-فرهنگی شهر مشهد ایفای نقش کردند.

با وجود مطالعات گسترده‌ای که درباره مطبوعات مشروطه در مراکزی مانند تهران و تبریز صورت گرفته، خلأ پژوهشی در زمینه تحلیل محتوای مطبوعات مشروطه‌خواه مشهد و نحوه بازنمایی گفتمان‌های سنت و مدرنیته در آن‌ها، ضرورت انجام پژوهشی مستقل با رویکرد تحلیلی را آشکار می‌سازد.

مسئله بنیادین این پژوهش، واکاوی چگونگی بازنمایی سوژه «مدرن ایرانی» در تقابل با «ساختارهای سنتی» است. در حالی که جامعه آن روزگار مشهد به دلیل غلبه سنت، با مفاهیم مدرنی چون «حقوق شهروندی» یا «آموزش زنان» فاصله داشت، مطبوعات از طریق استراتژی‌های گفتمانی در پی برساختن این مفاهیم بودند. برای مثال، اگرچه در واقعیت اجتماعی، «خودآگاهی مدنی» به معنای امروزی آن شکل نگرفته بود، اما متون مطبوعاتی با به کارگیری تکنیک‌های «سوژه‌سازی»، سعی در تغییر جایگاه فرد از «رعیت» به «ملت» داشتند. «عموم هموطنان عزیز ما مسبوق شده و بدانند که در آتیه مملکت ایران برخلاف زمان سابق خواهد بود. و امورات مملکت در تحت قانون معینی معمول و مجری می‌شود. خیالات کهنه و پوسیده که در کانون سینه خود می‌پزند یقیناً بی‌ثمر و بی‌نتیجه خواهد ماند یعنی حقوق هر کس بصاحبش مسترد خواهد شد. احدی نمی‌تواند حق برادر دینی خود را پامال نموده...»^۲.

1. Truth regime.

۲. روزنامه طوس، ش ۶، ۲۵ ذیقعد ۱۳۲۷، ۱.

در بررسی پیشینه تحقیق، باید میان «منابع تاریخی» و «پژوهش‌های تحلیلی» تفکیک قائل شد. آثاری چون تاریخ مشروطه کسروی، حیات یحیی و آثار ملک‌زاده، اگرچه زیربنای مستندات تاریخی این عصر هستند، اما در این مطالعه نه به‌عنوان پیشینه پژوهش بلکه به‌عنوان منابع مکمل برای مثلث‌سازی داده‌ها نگریسته می‌شوند. در مقابل، پژوهش‌هایی که به تحلیل گفتمان مشروطه پرداخته‌اند، از بافت محلی مشهد و نقش نشریات این شهر در بازنمایی گفتمان‌ها غافل مانده‌اند. چرا که، گفتمان‌ها نه صرفاً بازتاب واقعیت‌های بیرونی، بلکه کنشگرانی مؤثر در تولید حقیقت و مشروعیت‌بخشی به ساختارهای قدرت‌اند.^۳ پژوهش حاضر باتکیه بر نظریه «قدرت/دانش» میشل فوکو، در پی پاسخ به این پرسش است که روزنامه‌های دوره مشروطه مشهد چگونه و از طریق چه سازوکارهای گفتمانی، به بازنمایی و تبیین مؤلفه‌های سنت و مدرنیته در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پرداختند؟

برای پاسخ به این مسئله، از روش تحلیل گفتمان فوکویی استفاده شده است. چرا که از روش‌هایی پرکاربرد در پژوهش‌های تحلیل گفتمانی در ایران و خارج از ایران است و بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را مدنظر قرار داده است. تحلیل گفتمان میشل فوکو فراتر از یک روش‌شناسی ساده، یک افق نظری برای درک چگونگی پیوند میان «دانش» و «قدرت» است. به‌کارگیری تحلیل فوکو در تحلیل محتوای روزنامه‌ها که در پژوهش‌های دیگر تاکنون دیده نشده می‌تواند روش تأثیرگذاری اندیشه‌های مدنی بر سنت حاکم بر جامعه را نشان دهد و در این تحقیق راهگشا باشد.

داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و مراجعه به آرشیوهای کتابخانه‌ای، مراکز اسناد، نسخه‌های دیجیتال و مجموعه‌های مطبوعاتی گردآوری شد. در اینجا «نمونه‌گیری هدفمند» بر اساس میزان تأثیرگذاری و جریان‌سازی نشریات در فضای گفتمانی مشهد صورت گرفته است. آرشیو مورد بررسی شامل ۶ روزنامه شاخص (خورشید، بشارت، طوس، شرق ایران، بهار و جهان زنان) است که در مجموع ۱۷۵ متن کلیدی (شامل سرمقاله‌ها و مقالات انتقادی) از آن‌ها استخراج گردید. این گزینش بر مبنای این اصل است که از منظر فوکویی، هر متنی قابلیت تحلیل گفتمانی دارد، اما متونی که در نقاط گسست و پیوند قدرت قرار دارند، رژیم حقیقت را بهتر بازنمایی می‌کنند.^۴ در این ترکیب نمونه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده است که ضمن بازتاب تنوع گفتمانی، امکان بررسی دقیق استراتژی‌های زبانی و مفهومی مطبوعات در بازتعریف مرزهای سنت و مدرنیته را فراهم سازد.^۵

۳. میلز، میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، ۹۱-۹۸.

۴. Foucault, *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings*.

۵. برای تحلیل و کاربرد بهتر داده‌های پژوهش و انتقال مضامین تحقیق، از هوش مصنوعی ChatGPT، notebooklm، perplexity جهت ویرایش متن و

جدول ۱- فهرست روزنامه‌های مورد استفاده در پژوهش

ردیف	عنوان روزنامه	سال‌های انتشار در بازه مورد مطالعه	تعداد متون انتخابی	نوع متون انتخابی	محورهای محتوایی اصلی
۱	خورشید	۱۳۲۵-۱۳۲۶ هـ.ق	۳۹	سرمقاله، مقاله انتقادی، خبر تحلیلی	قانون، عدالت، آموزش
۲	بشارت	۱۳۲۴-۱۳۲۵ هـ.ق	۲۴	سرمقاله، مقاله انتقادی، خبر تحلیلی	دین و سیاست، هویت ملی
۳	طوس	۱۳۲۸ هـ.ق	۲۸	سرمقاله، مقاله انتقادی	اقتصاد بومی، مدرنیته
۴	شرق ایران	۱۳۳۴-۱۳۳۹ هـ.ق	۳۳	مقاله انتقادی، خبر تحلیلی	سیاست داخلی، قانون
۵	جهان زنان	۱۳۳۸ ق.	۶	سرمقاله، مقاله انتقادی	زنان، علم، حقوق
۶	بهار	۱۳۳۶-۱۳۴۴ هـ.ق	۴۵	سرمقاله، مقاله انتقادی	عدالت اجتماعی، دین و دولت

فرآیند تحلیل داده‌ها در این پژوهش در چهار مرحله اصلی انجام شد: در مرحله نخست، استخراج مفاهیم به صورت ترکیبی از روش واژه‌محور و معنا محور صورت گرفت. در گام دوم، مفاهیم استخراج شده بر اساس نقش آن‌ها به عنوان دال‌های گفتمانی صورت‌بندی شدند. در مرحله سوم، دال‌های گفتمانی در چارچوب مفاهیم فوکویی «قدرت/دانش»، «نظم گفتار» و «زیست سیاست» تحلیل شدند. در گام نهایی، بر اساس یافته‌های مراحل پیشین، رژیم‌های حقیقت مسلط در مطبوعات مشهد عصر مشروطه بازسازی شد تا تصویر بهتری از نظم دانایی حاکم بر این دوره ارائه شود.

با وجود تلاش برای رعایت اصول روش‌شناختی، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه است. دسترسی ناقص به برخی شماره‌های مطبوعات و فقدان نسخه‌های کامل برخی نشریات، از محدودیت‌های تحقیق به شمار می‌آید.

پیشینه تحقیق

واکاوی تحولات عصر مشروطه از منظر تحلیل گفتمان، مستلزم درک گسست معرفت‌شناختی است که در «نظام دانایی» آن دوران رخ داد. روزنامه مجلس در همان روزگار، مردم مشهد را به دلیل «بسته بودن چشم و گوش» و محدودیت ارتباط فکری با مراکز مدرن، مورد انتقاد قرار داد و این وضعیت را نتیجه حاکمیت بسته مذهبی و ضعف ارتباطات فرهنگی مدرن دانست.^۶

مطالعات صورت گرفته درباره مطبوعات دوره مشروطه عمدتاً بر نقش مطبوعات در تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره متمرکز بوده‌اند.^۷ بخش زیادی از این پژوهش‌ها از منظر تاریخی یا توصیفی به تحلیل محتوای نشریات پرداخته و کمتر به تحلیل گفتمان با رویکرد نظری انتقادی توجه کرده‌اند.^۸ در این میان، چارچوب نظری میشل فوکو تاکنون در تحلیل مطبوعات مشروطه کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. پیشینه مطالعات مربوط به این حوزه را می‌توان در دو سطح کلی دسته‌بندی کرد:

منابع تاریخی و کرونولوژی‌های مشروطه. برخی از داده‌های بنیادین این پژوهش از دل آثاری استخراج شده‌اند که اگرچه جنبه تحلیلی گفتمانی به معنای فوکویی ندارند، اما بستر تاریخی و «بافت موقعیتی» تحقیق را شکل می‌دهند. آثاری چون تاریخ انقلاب مشروطیت ایران نوشته مهدی ملک‌زاده (جلد دوم، ۱۳۸۷)، تاریخ مشروطه ایران اثر احمد کسروی (۱۳۸۵) و حیات یحیی اثر یحیی دولت‌آبادی، از جمله منابعی هستند که وضعیت سیاسی و اجتماعی آن روزگار را به تصویر کشیده‌اند. این منابع در واقعیت پژوهشی، نقش داده‌های مکمل برای مثلث‌سازی را ایفا می‌کنند تا تحلیل‌های گفتمانی از واقعیت‌های تاریخی جدا نماند. ملک‌زاده با اشاره به تحولات مشهد، از جمله شکل‌گیری انجمن‌ها و درگیری‌های محلی میان مشروطه‌خواهان و مستبدین، زمینه‌ای تاریخی برای تحلیل فعالیت‌های روزنامه‌هایی چون خورشید فراهم می‌آورد. کسروی، با نگاهی شاهدانه، تصویری دقیق از فضای انقلابی و نقش مطبوعات در ترویج مفاهیم جدید ارائه کرده است. کتاب حیات یحیی نوشته یحیی دولت‌آبادی (جلد دوم، ۱۳۶۲) و تاریخ بیداری ایرانیان اثر ناظم‌الاسلام کرمانی (جلدهای دوم و سوم، ۱۳۸۱) نیز با پرداختن به وقایع انقلاب مشروطه، تشکیل مجلس، قانون اساسی و نقش روشنفکران، می‌توانند در تحلیل تطبیقی بین متون روزنامه‌ای و وقایع کلان سیاسی آن دوره مورد استفاده قرار گیرند.

۶. روزنامه مجلس، س ۱، ش ۵۴، ۱۳۲۴ق، ۴.

۷. آجودانی، لطف الله. «انقلاب مشروطه و اندیشه تجدد».

۸. رسول اف، رامین و کرامت الله راسخ. «نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های روح القدس و صوراسرافیل». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش. ۵۰ (۱۳۹۷): ۱۳-۳۴.

علیزاده و دیگران؛ گفتمان‌های سنت و مدرنیته در مطبوعات مشهد عصر مشروطه: بازنمایی گفتمان‌های .../۲۰۳

از منظر تاریخ مطبوعات، کتاب‌های تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف محمد صدر هاشمی (جلدهای ۱ و ۲) و تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران نوشته محمد محیط طباطبایی، اطلاعاتی مستند درباره ساختار، محتوا، صاحب امتیاز و جهت‌گیری‌های سیاسی-اجتماعی روزنامه‌های عصر مشروطه ارائه می‌دهند.

مطالعات تحلیلی و گفتمانی مطبوعات. در سطح دوم، پژوهش‌هایی قرار دارند که با رویکردهای علمی به واکاوی نقش مطبوعات پرداخته‌اند. برای نمونه، مطالعاتی که بر بازنمایی گفتمان‌های سنت و مدرنیته در مطبوعات ملی تمرکز داشته‌اند، نشان می‌دهند که رسانه‌ها در این دوران صرفاً طراح گفتمان نبودند، بلکه به مثابه «تکنولوژی‌های قدرت» در تولید رژیم حقیقت نقش ایفا می‌کردند. در این میان، نشریاتی چون «خورشید» و «طوس» در مشهد، به دلیل بافت موقعیتی خاص این شهر، کانون بازنمایی مفاهیم چالش‌برانگیزی چون «عدالت»، «ترقی» و «آزادی» بودند.

برخی از پژوهش‌های انجام شده، به بررسی جایگاه زنان و آموزش در مطبوعات پرداخته‌اند. برای مثال، تحلیل محتوای نشریاتی چون جهان زنان نشان‌دهنده مقاومت‌های شدیدی است که در بافت مذهبی مشهد در برابر مفاهیم مدرن وجود داشته است. این مطالعات تصریح می‌کنند که بازنمایی حقوق زنان در آن مقطع، با استراتژی‌های طرد و نظارت همراه بوده و به دلیل عدم آمادگی ساختارهای اجتماعی، منجر به برخورد‌های حذفی با نخبگانی چون فخرآفاق پارسا شده است.^۹ با این حال، اکثر این پژوهش‌ها از منظر جامعه‌شناختی یا تحلیل محتوای کیفی به موضوع نگریسته‌اند و کمتر به سراغ واکاوی «رابطه قدرت/دانش» رفته‌اند.

مقاله «زنان و حقوق نویافته در روزنامه‌های تمدن، خورشید و کوکب دری» نوشته زینب زمردیان و غلامرضا وطن‌دوست^{۱۰} به نقش مطبوعات عصر مشروطه در بازنمایی مطالبات زنان پرداخته است. به مشارکت زنان در امور ملی، از جمله خرید سهام بانک ملی با فروش زیورآلات یا لوازم منزل، اشاره شده است. همچنین به شرایط سخت معیشتی که گاه خانواده‌ها را ناگزیر به فروش دختران خود به خوانین می‌کرد، پرداخته است. از منظر فوکویی، این بازنمایی‌ها را می‌توان تلاشی برای بازتعریف جایگاه اجتماعی زنان دانست.

۹. ترابی‌فارسانی، زن ایرانی در گذر از سنت به مدرن، ۹۷-۱۰۰.

۱۰. زمردیان، زینب و غلامرضا وطن‌دوست. «زنان و حقوق نویافته در روزنامه‌های تمدن، خورشید و کوکب دری». پژوهش‌های علوم انسانی، ش. ۳۳ (۱۳۹۳): ۱۸۹-۲۱۷.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید» نوشته محمد بیطرفان،^{۱۱} ضمن تحلیل موضوعاتی چون تأسیس مدارس، ناهنجاری‌های اجتماعی، و خواسته‌های عمومی مردم در قالب نامه‌ها و گزارش‌ها نشان می‌دهند که چگونه فضای رسانه‌ای به عرصه‌ای برای بیان مقاومت‌های محلی، بازآفرینی زبان قدرت، و نظم‌بخشی به میل به ترقی بدل شده است.

تحلیل گفتمان فوکویی و خلاء پژوهشی: نظریه میشل فوکو بر این فرض استوار است که گفتمان‌ها، رژیم‌های حقیقتی را تولید می‌کنند که سوژه‌ها را در درون خود صورت‌بندی می‌نمایند.^{۱۲} در پیشینه‌های موجود، اگرچه به تقابل سنت و مدرنیته اشاره شده، اما چگونگی عملکرد مطبوعات به‌عنوان ابزار سوژه‌سازی کمتر موردتوجه بوده است.

در مجموع، مرور این منابع نشان می‌دهد که روزنامه‌های محلی مشهد به‌مثابه بازتابی از جامعه مشهد دوره مشروطه، هم در حوزه‌های اجتماعی (نقد حکام، عدالت‌خواهی، مشارکت زنان) و هم در حوزه‌های سیاسی (پاسداشت مشروطیت، مقابله با استبداد) نقش فعالی داشته و تحلیل محتوای آن می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از نسبت سنت و مدرنیته در گفتمان‌های مطبوعاتی آن عصر منجر شود.

۱- چارچوب نظری و مفهومی پژوهش: تحلیل گفتمان فوکویی و گذار به مدرنیته^{۱۳}

در این پژوهش، مباحث نظری در شش محور اصلی صورت‌بندی شده‌اند تا چرایی و چگونگی مبارزه گفتمانی در مطبوعات عصر مشروطه مشهد تبیین گردد.

۱-۱- تبارشناسی قدرت و تولید «رژیم حقیقت» در رسانه

نخستین پایه نظری این نوشتار، درک فوکویی از مفهوم «حقیقت» است. از منظر فوکو، حقیقت امری استعلایی و از پیش موجود نیست که رسانه‌ها صرفاً آن را کشف یا طراحی کنند؛ بلکه حقیقت «محصول» سازوکارهای قدرت است.^{۱۴} فوکو فرآیندهای تولید گفتمان را نیز در پیوند با قدرت تحلیل می‌کند؛ فرآیندهایی که در آن‌ها برخی گزاره‌ها و گفتمان‌ها سرکوب، برخی مشروع و «حقیقی» تلقی می‌شوند. این فرایند که او آن را «اراده معطوف به حقیقت» می‌نامد، مکانیسمی است که با آن گفتمان‌های خاصی به‌عنوان مشروع و مسلط تثبیت می‌شوند.^{۱۵} از دیدگاه فوکو، قدرت نه تنها در نهادهای سیاسی بلکه در سراسر جامعه

۱۱. بیطرفان، محمد. «بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید (دوره مشروطیت)». مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان. ش. ۴. (۱۳۹۳): ۳۳-۷.

۱۲. داوودی، «نظریه گفتمان و علوم سیاسی»، ۵۶-۵۷.

۱۳. Perplexity، ایده و دسته‌بندی شش محور اصلی چارچوب نظری "سپتامبر ۲۰۲۵" / <https://www.perplexity.ai>

۱۴. فرکلاف، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، ۱۱.

۱۵. حسینی‌زاده، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، ۱۸۶.

علیزاده و دیگران؛ گفتمان‌های سنت و مدرنیته در مطبوعات مشهد عصر مشروطه: بازنمایی گفتمان‌های .../۲۰۵

جاری است و نقشی مولد ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که هر جا قدرت اعمال می‌شود، دانش نیز تولید می‌گردد.^{۱۶} درحالی‌که نیروهای سنتی از طریق منبرها، رسائل و شبکه‌های مذهبی به مقاومت گفتمانی پرداختند و با زدن برچسب‌هایی کوشیدند گفتمان تجدد را بی اعتبار سازند و رژیم حقیقت خود را بازتولید کنند،^{۱۷} روزنامه‌هایی مانند وقایع اتفاقیه، اختر و جبل‌المتین، مفاهیمی چون «تمدن»، «قانون»، «آزادی» و «پیشرفت» را در برابر «جهل»، «استبداد» و «خرافه» قرار دادند و بدین‌سان به‌صورت فعال در ساختار طرد و شمول گفتمان مدرنیته نقش ایفا کردند.^{۱۸}

رسانه‌ها تولیدکننده رژیم حقیقت هستند. در واقع، هر جامعه‌ای دارای «رژیم حقیقت» خود است. فوکو در آثارش از جمله باستان‌شناسی دانش^{۱۹} و نظم گفتار،^{۲۰} نشان می‌دهد که هر گفتمان، یک «رژیم حقیقت» می‌سازد.

مطبوعات مشهد در عصر مشروطه، به‌مثابه تکنولوژی‌های قدرت عمل می‌کردند. این نشریات با استفاده از «نظم گفتار»، مرز میان آنچه حقیقت (مدرنیته، ترقی، قانون) و آنچه کذب (استبداد، خرافه، عقب‌ماندگی) انگاشته می‌شد را ترسیم می‌کردند.

۱-۲- گسست در نظام دانایی (اپستمه) و تقابل سنت و مدرنیته

دوران مشروطه را می‌توان یک «گسست معرفت‌شناختی» در تاریخ ایران دانست؛ نقطه‌ای که در آن «نظام دانایی» کهن فروپاشید و راه برای ظهور دانشی جدید هموار شد. درحالی‌که گفتمان سنت بر مفاهیمی چون «مشروعیت الهی»، «تکلیف» و «رعیت‌بودن» استوار بود، گفتمان مدرن مطبوعات مشهد در پی استقرار دال‌های جدیدی چون «حاکمیت ملی»، «حقوق» و «شهروندی» برآمد. حضور زائران، مهاجران و طلاب علوم دینی از نقاط مختلف، همراه با انتشار محدود اما مؤثر مطبوعاتی چون خورشید و بشارت، امکان آشنایی با مفاهیم آزادی، قانون و پیشرفت را برای بخشی از جامعه شهری فراهم ساخت.^{۲۱} با این همه، تا پیش از تثبیت مشروطه، وزن گفتمان سنتی و نفوذ نهادهای مذهبی همچنان بر حیات فرهنگی و اجتماعی مشهد سنگینی می‌کرد.

۱۶. دریفوس و رابینو. میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، ۳۱.

Foucault, *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings*.

17. Boroujerdi, *Iranian Intellectuals and the West: The Tormented Triumph of Nativism*.

18. Foucault, *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings*.

19. Foucault, *The Archaeology of Knowledge*.

20. Foucault, *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*.

۲۱. متولی حقیقی، تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، ۷۰-۷۱.

گفتمان از دید فوکو دارای نقش تاریخی است و همواره در پیوند با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. گفتمان‌ها نه تنها به واسطه قدرت شکل می‌گیرند، بلکه خود نیز به ابزاری برای اعمال و تثبیت قدرت به‌ویژه در عرصه‌هایی چون رسانه بدل می‌شوند.^{۲۲}

از منظر فوکویی تقابل سنت و مدرنیته در بافت موقعیتی مشهد، به دلیل حضور نهادهای سنتی قدرتمند، نشان‌دهنده تلاش برای بازسازی رژیم دانایی است. مطبوعات سعی داشتند مفاهیم سنتی را بازتعریف کرده تا نظام دانایی جدیدی را که متناسب با نیازهای جامعه مدرن بود، مستقر سازند.

۱-۳- سوژه‌سازی و گذار از «رعیت» به «ملت»

یکی از محوری‌ترین مباحث نظری فوکو، چگونگی شکل‌گیری «سوژه» در بطن گفتمان است. قدرت، سوژه‌ها را از طریق دانش تولید می‌کند. رسانه‌های مشهد از طریق متون خود، مخاطب را نه به‌عنوان یک «رعیت» تابع محض، بلکه به‌عنوان یک «شهروند» صاحب حق و تکلیف خطاب می‌کردند. «... ای علماء اسلام وای هم‌مسلمانان محترم وای خیرخواهان مملکت! وای اولیای امور آریا رعیت این حدود از ملت این آب‌و‌خاک نیستند آیا ناموس اینها ناموس ما محسوب نمی‌شوند آیا کسی هست بداد این یک‌مشت رعیت بدبخت برسد».^{۲۳}

روزنامه‌ها نه فقط بازتاب‌دهنده که تولیدکننده گفتمان‌های جدید هستند: آنها ایده‌هایی چون «مدرسه»، «انتخابات»، «نهاد مدنی»، «زنان»، «آموزش»، و حتی «روزنامه‌نگاری» را به‌مثابه ابزار تمدن مطرح کرده‌اند. «شما در عصر عدالت و مشروطیت نمی‌توانید مردم را از خواستن اصول عدالت منع کنید و تظلمات آنها را عداوت و دشمنی قلمداد نمایید...».^{۲۴}

رسانه با بازنمایی جدید از انسان ایرانی، در پی تولید تیپولوژی جدیدی از عاملیت بود که با نظم قانون‌مدار همخوانی داشته باشد. «... امروزه ملت ایران پی به حقوق خاک پاک و وطن عزیز خود برده ممکن نیست اجنبی را مجال تصرف در مملکت و عرض و ناموس خود بدهد...».^{۲۵}

۱-۴- زیست‌سیاست (Biopolitics) و مدیریت بدن در گفتمان مشروطه

در چارچوب نظری فوکو، زیست‌سیاست به معنای ورود زندگی و بدن به قلمرو محاسبات قدرت است. در مطبوعات مشهد، بازنمایی مفاهیمی چون «آموزش عمومی»، «تأسیس مدارس نوین» و

۲۲. نصیری‌پور، «علوم اجتماعی: مناسبات دانش-قدرت در اندیشه میشل فوکو»، ۱۰۱-۱۲۰؛ داوودی، «نظریه گفتمان و علوم سیاسی»، ۷۲.

۲۳. روزنامه شرق ایران، ش ۳۵، ۲ جمادی الثانی ۱۳۳۶، ۲.

۲۴. روزنامه بهار، ش ۳، ۲۴ جمادی الاول ۱۳۳۷، ۱.

۲۵. روزنامه خورشید، ش ۴۷، ۱۲ شعبان ۱۳۲۵، ۲.

«حفظ‌الصحه عمومی»، همگی ذیل استراتژی مدیریت زیست سیاست قابل تحلیل هستند. رسانه با تأکید بر بهداشت و تربیت فرزندان، در واقع در حال تولید دانش بود که بدن را به ابزاری برای قدرت ملی تبدیل می‌کرد. «باید دختر تحصیل نماید تا بتواند کتب و جرایدی که برای دستور خانه‌داری و بچه‌داری می‌نویسند بخواند...»^{۲۶} «... زن اگر حفظ‌الصحه نداند - بچه یا سقط شده اگر خیلی پوست کلفت باشد به دنیا آمده لیکن به واسطه نقص صاحب کارخانه بعد از دو روز یا دوماه یا دو سال سقط می‌شود...»^{۲۷} این «بازنمایی زیست سیاسی»، پیش‌درآمدی بر نهادسازی‌های دوران پهلوی بود. در این پژوهش، زیست سیاست به‌عنوان یک «ضرورت گفت‌وگویی» واکاوی می‌شود که مطبوعات مشهد برای نخستین بار آن را به حوزه عمومی کشاندند تا بدن ایرانی را از چنبره طب سنتی و رخوت آموزشی خارج کنند.

۱-۵- بافت موقعیتی مشهد: مبارزه در سنت قلب

تحلیل گفت‌وگوهای فوکویی بدون در نظر گرفتن «بافت موقعیتی»^{۲۸} ناقص است. مشهد در دوره مشروطه، شهری با قطب‌بندی‌های شدید مذهبی و سیاسی بود. مشهد دارای ترکیبی از روحانیت پرنفوذ، تجار روشنفکر، پیشه‌وران، و گروهی از روشنفکران مهاجر بود که به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شدند: بازرگانان روشنفکر، کارکنان دولت و معلمان مدارس جدید، روزنامه‌نگاران، و روحانیون اصلاح‌طلب.^{۲۹} نفوذ آستان قدس رضوی در ساختار اجتماعی مشهد بسیار بالا بود و این نهاد هم یک مرکز مذهبی و هم یک قدرت اقتصادی-سیاسی به شمار می‌رفت.^{۳۰} مراجع مذهبی، فضایی را ایجاد کرده بودند که هرگونه گفتار مدرن باید در نسبت با «شرع» و «سنت» تعریف می‌شد. در دوره قاجار، جایگاه مشهد به دلیل نزدیکی به مرزهای شرقی، اهمیت مذهبی، و موقعیت اقتصادی-تجاری ویژه، بیش از پیش برجسته شد.^{۳۱} پیش از انقلاب مشروطه، شورش‌ها و بحران‌هایی در شهر مشهد روی داد که این شهر را به کانونی علیه استبداد تبدیل کرد، هرچند مخالفت‌های عمیقی با جنبش مشروطه نیز در این شهر وجود داشت. طبقات اجتماعی شهر مشهد در آستانه انقلاب مشروطیت نیز ترکیبی از نیروهای مخالف و موافق بودند. همچنین وابستگی‌های عمیقی با روسیه یا انگلیس در بین آنان به چشم می‌خورد که آن‌ها را رو در روی یکدیگر قرار

۲۶. جهان زنان، ش ۱، ۱۵ دلو ۱۲۹۹، ۸-۹.

۲۷. روزنامه طوس، ش ۲۴، ۱۳ صفر ۱۳۲۸، ۳.

۲۸. Situational context.

۲۹. متولی حقیقی، تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، ۷۲-۷۹، ۹۳.

۳۰. بشیری، کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس از انقلاب مشروطه ایران، ۲۴؛ ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ۳۳۳-۳۳۷.

۳۱. احمدی، خوش بین، «مشروطیت در مشهد: زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه»، ۵-۱۰.

می‌داد.^{۳۲} در این دوران، علاوه بر تأسیس کنسولگری‌های قدرت‌های خارجی چون روسیه و بریتانیا، مشهد درگیر رخدادهایی چون امتیاز رژی و تحریم تنباکو بود. این وقایع، نقش مؤثر روحانیون، بازرگانان و نهادهای دینی را در تحولات اجتماعی-سیاسی شهر برجسته ساخت.^{۳۳}

این ویژگی‌ها باعث شد که مطبوعات مشهد استراتژی‌های گفتمانی منحصربه‌فردی را برگزینند. آن‌ها برای تولید رژیم حقیقت خود، ناگزیر به «تلفیق» مفاهیم مدرن با آموزه‌های مذهبی بودند تا از «طرد» توسط جامعه مذهبی جلوگیری کنند. «... امیدواریم به مقتضای نیت پاک که این شاهزاده عالم متدین را مسلم است زمان جور و بیداد منقضی شده و بساط عدل و داد در این پایتخت مذهبی مسلمانان و مرجع عامه شیعیان گسترده آید. درحقیقت این اولین حکمران قانونی است که پس از تشکیل مجلس مقدس شورای ملی بما مرحمت شده و عنقریب پس از رسیدن نظام‌نامه‌های ایالتی و بلدی و قانون عدلیه موجبات آسایش عامه از حسن توجه این فرمانفرمای عدالت‌پرور فراهم خواهد آمد».^{۳۴} با این حال، همان‌طور که در مورد نشریاتی چون جهان زنان دیده شد، کرانه‌های گفتمانی مشهد اجازه عبور از برخی خطوط قرمز مانند حقوق مساوی زن و مرد و لزوم تعلیم زنان را نمی‌داد و مکانیسم‌های سرکوب و طرد بلافاصله فعال می‌شدند و بر همین پایه بود که فخر آفاق پارسا مدیره این مجله نهایتاً، جهان زنان را منتقل و تعطیل نمود و خودش تبعید شد. این بافت، نشان‌دهنده پیچیدگی رابطه قدرت/دانش در یک شهر مذهبی است که در آن مطبوعات ناگزیر به مبارزه‌ای چندلایه برای تغییر نظم گفتار بودند.

۱-۶- رسانه به مثابه فضای بازنمایی و مقاومت

رسانه در نگاه فوکویی، تنها بازتاب‌دهنده واقعیت نیست، بلکه خود «فضای مبارزه» است. مطبوعات مشهد مکانی بودند که در آن گفتمان‌های رقیب (مشروطه‌خواه و مستبد، سنتی و مدرن) برای تسخیر سوژه‌ها با هم می‌جنگیدند. مفاهیمی چون «عدالت اجتماعی»، «سرمایه‌داری بومی» و «استقلال اقتصادی»، همگی ابزارهای مقاومت در برابر نفوذ بیگانگان و استبداد داخلی بودند. «ما تا لاقبل لباس خود را از خود نداشته باشیم نمی‌توانیم مدعی استقلال اقتصادی باشیم و نباید منتظر باشیم که روزی دارای ثروتی شویم که ما را از اجانب مستغنی نماید...».^{۳۵}

اگرچه در واقعیت اقتصادی آن دوره، سرمایه‌داری بومی به معنای کلاسیک وجود نداشت، اما «اراده به

۳۲. گودرزی بروجردی و معینی. «بازانگاری و تحلیل ساختار طبقات اجتماعی مشهد در آستانه انقلاب مشروطیت (بر اساس اسناد کنسولی)»، ۱۹۵-۲۱۶.

۳۳. صحت منش، «انگیزه‌ها و اهداف تأسیس کنسولگری بریتانیا در مشهد در عصر قاجار»، ۱۰۲-۱۰۴.

۳۴. روزنامه خورشید، ش ۱۲، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۵، ۱.

۳۵. روزنامه بهار، ش ۱۰، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۴۰، ۲.

علیزاده و دیگران؛ گفتمان‌های سنت و مدرنیته در مطبوعات مشهد عصر مشروطه: بازنمایی گفتمان‌های .../۲۰۹

تولید» این گفتمان در مطبوعات نشان‌دهنده تلاش نخبگان برای برساختن یک قدرت ملی بود. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه دانش تولید شده در مطبوعات، راه را برای تغییرات ساختاری آینده هموار کرد، هرچند در زمان خود با بن‌بست‌های سیاسی مواجه گردید.

۲- یافته‌های پژوهش: واکاوی گفتمان مدرنیته و سنت در مطبوعات مشهد^{۳۶}

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مطبوعات مشهد در بازه زمانی مورد مطالعه، فضایی برای مبارزه میان دو نظام دانایی متفاوت بودند. این نشریات صرفاً بازتاب‌دهنده وقایع نبودند، بلکه به‌عنوان تکنولوژی‌های قدرت، در پی تولید رژیم حقیقت جدیدی برآمدند که سوژه ایرانی را بازتعریف می‌کرد.

۲-۱- گفتمان سیاسی: بازسازی اقتدار و تولید سوژه «ملت»

یکی از اصلی‌ترین یافته‌های پژوهش، تلاش مطبوعات برای گسست از مفهوم «رعیت» و تولید سوژه «ملت» است. در نظام دانایی سنتی، اقتدار سیاسی امری آسمانی و از بالا به پایین بود. محمد علی شاه در پاسخ به عریضه‌های مردمی می‌گوید جواب بنویسید: «فضولی موقوف کنید تعیین حکومت به میل رعیت نیست» یا «رعیت حق این‌گونه عرایض را ندارد یا به تو چه ربط دارد، ولایت حاکم دارد».^{۳۷} مطبوعات مشهد با بازنمایی مفاهیمی چون «مجلس»، «قانون اساسی» و «انجمن‌های ایالتی»، رژیم حقیقت جدیدی را پی‌ریزی کردند.

«خراسان، بیک عدلیه صحیحی محتاج است که در اجرای حق و عدالت هیچ پروا نداشته مدافع حقیقی ملت باشد. با تنگی مال یا کمیابی غلات و ارزاق، یا گرانی فوق‌العاده اجناس، خراسان امروزه محتاج بیک بلدیہ قانونی است».^{۳۸}

روزنامه‌هایی مانند خورشید و طوس، قانون را نه به‌عنوان یک متن اداری، بلکه به‌عنوان «شرط سعادت ملت» بازنمایی می‌کردند. این نشریات با استفاده از استراتژی مشروعیت‌بخشی، قانون را با مفاهیم دینی پیوند می‌زدند تا مقاومت نیروهای سنتی را کاهش دهند. «قانون اساسی بندگان خدا را از قید رقیت و عبودیت غیر خدا خلاص و آزاد کرده حقوق و حدود را معین داشته ... قانون اساسی بنیان عدالت و مساوات را محکم و اساس ظلم و استبداد را منهدم می‌سازد. قانون اساسی یگانه دادرس ملهوفین و اولین

۳۶. ChatGPT، notebooklm، ویرایش متن و توسعه تحلیل محتوا برای یافته‌های پژوهش و ترسیم جداول تحلیلی "سپتامبر ۲۰۲۵"، /

<https://chatgpt.com> : <https://notebooklm.google>

۳۷. آدمیت و ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ۳۷۸.

۳۸. روزنامه شرق ایران، ش ۲، ۲۷ ذیحجه ۱۳۳۵، ۲.

دادخواه مظلومین است».^{۳۹}

خودآگاهی مدنی در دوره مشروطه به وضوح قابل مشاهده نیست. حیدرخان عمو اوغلی درباره بی تفاوتی مردم مشهد یادآور می شود که در تمام مدت یازده ماه اقامت در خراسان مردم به قدری نارس بودند که سعی من در این ایام بی نتیجه ماند و مطلقاً کلمات مرا درک نمی کردند.^{۴۰}

یافته های تحقیق نشان می دهد که مطبوعات از طریق «اراده به دانش»، در پی بر ساختن سوژه ای بودند که خود را صاحب حق می داند. این سوژه سازی در تقابل مستقیم با نظام استبدادی قرار داشت که فرد را تنها در مقام اطاعت تعریف می کرد. «شماها که هر یک سال های سال است در تشدید آثار فرعونیت خرج ها کرده و رنج ها برده اید، و برای هر چند ماه حکمرانی به تضييع حقوق حقه افراد ایرانی اقدام کرده اید و محض ابقای خود بحکومت از القای هرگونه خصومتی در میان رعیت کوتاهی نداشته اید».^{۴۱} این جمله با استفاده از تشبیه های قدرتمند، نه تنها به فساد و بهره کشی اشاره می کند، بلکه هم زمان یادآور تاریخ ظلم و استبداد نیز می شود. «بیچاره ملت نجیبی که سالیان بی ناموس بوده انواع بلیات را می دیدند و اقسام مصیبت را می چشیدند و مجبور در افعال یارای لا و نعم گفتن و قدرت سر بر تافتن نداشتند امروز که یکباره از خواب غفلت بیدار و از مستی جهالت هشیار شده ... و به مطالبه حقوق مشروعه خود برخاسته لوی اتحاد و اتفاق برافراشته...».^{۴۲} به رهایی انسان از قید رعیت بودگی به انسان دارای حق شهروندی اشاره می کند.

۲-۲- گفتمان اجتماعی: آموزش نوین و نطفه های «زیست سیاست»

یافته ها حکایت از آن دارد که مطبوعات مشهد نقشی کلیدی در مدیریت جمعیت از طریق ترویج بهداشت و آموزش ایفا کرده اند. این امر دقیقاً با مفهوم «زیست سیاست» فوکو همخوانی دارد که در آن قدرت به دنبال نظارت و بهبود کیفیت زندگی برای تقویت بنیه ملی است.

تأکید بر تأسیس «مدارس نوین» و «دارالتربیه» در روزنامه هایی چون بشارت و بهار، فراتر از یک فعالیت فرهنگی، تلاشی برای تولید دانشی بود که سوژه های کارآمد برای رژیم جدید تولید کند. «خدمت عموم هم وطنان عرض می شود که نظام نامه بجهت مدارس جدید و سایر مکاتیب قدیمه که اگر از روی این نظام نامه تدریس کنند اطفال را بزودی زود بدرجه ترقی فایز می نمایند».^{۴۳} «بهر حال لازم است که امروز

۳۹. روزنامه خورشید، ش ۶۰، ۲۵ رمضان ۱۳۲۵.

۴۰. عباسی و نجف زاده، «طلاب قفقازی و نقش آنان در تحولات سیاسی- اجتماعی مشهد در اواخر عصر قاجار (حدود ۱۳۲۰-۱۳۳۰ ق.)»، ۱۹۰۲-۱۹۱۱ (م)، ۴۷.

۴۱. روزنامه بهار، ش ۱۱، ۱۷ شوال ۱۳۳۶، ۱.

۴۲. روزنامه بشارت، ش ۲۷، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۵، ۱.

۴۳. روزنامه بشارت، ش ۲۸، ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۵، ۱.

علیزاده و دیگران؛ گفت‌وگوهای سنت و مدرنیته در مطبوعات مشهد عصر مشروطه: بازتابی گفت‌وگوهای .../ ۲۱۱

باندازه مقدور در ازدیاد مدارس ابتدائیه در اقصاد مملکت کوشش نمود... و از طرفه‌هایی که تا کنون در تحصیلات معمول بوده به شدت جلوگیری شود».^{۴۴} در این متون آموزش از نظریه فوکو به مثابه تکنولوژی قدرت رژیم حقیقت جدیدی می‌سازد که برای بهبود شیوه زندگی مؤثر قلمداد می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بازتابی حقوق زنان (مانند آموزش و مشارکت اجتماعی) یکی از پرتش‌ترین حوزه‌های گفت‌وگویی بوده است. در ایران مسئله زنان هنگامی مطرح شد که انقلاب مشروطه فرصت را برای زنان فراهم آورد که در برخی نشریات یا با انتشار نشریه ویژه زنان به دفاع از حقوق اولیه خود چون آموزش و داشتن شغل روی آوردند.^{۴۵} درحالی‌که نشریاتی چون طوس و جهان زنان بر لزوم آگاهی زنان برای تربیت نسل جدید تأکید داشتند، بافت مذهبی مشهد و سازوکارهای طرد، مانع از تحقق کامل این گفت‌وگو می‌شد. «افسوس که طهران تنها در میان شهرهای ایران این خوشبختی را بزنهاى ساکن خویش روا داشته، سایر ولایات گویا باغ‌وحش یا مجسمه خانه است و هیچ از این حرف‌ها نمی‌زنند اگر هم کسی بگوید که مدرسه نسوان لازم داریم به محض گفتن این حرف تکفیرش می‌کنند پس ما بیچارگان که تازه در این عرصه قدم گذاشته و اسم علم و دانش را شنیده و ترقی خواهرهای طهرانی (تهرانی) خود را به توسط جراند می‌خوانیم چه قدر باید صبر کنیم که این خیال عالی در مغز خراسانیان هم جای گیر شود...».^{۴۶}

۲-۳- گفت‌وگوهای اقتصادی: استقلال و ساخت «سرمایه‌داری ملی»

در حوزه اقتصاد، مطبوعات مشهد به جای پذیرش واقعیت اقتصاد وابسته، استراتژی «مقاومت گفت‌وگویی» را برگزیدند. آن‌ها با ترویج مفاهیمی چون «بانک ملی» و «تحریم کالاهای خارجی»، در پی تولید یک سوژه اقتصادی خودکفا بودند. ایجاد بانک ملی و رهایی از نیاز به استقراض بیگانه که ملت ایران آن را از اصلی‌ترین دلایل بی‌ثباتی کشور می‌دانست موردی است که روزنامه خورشید در چند شماره درباره لزوم تشکیل آن تأکید دارد.^{۴۷} «اقلاً بیائید همت کنید و یک چندی استعمال امتعه (کالا، متاع) خارجه را بر خود حرام نمایند هم حس ملی خود را بخرج داده‌اید و هم از ملیونها پول وطن عزیز که لا ینقطع مثل سیل سرشار بکیسه اجانب می‌ریزد جلوگیری کرده‌اید».^{۴۸}

تحریم کالای خارجی، تولید داخلی، بانک ملی و شاهنشاهی، توسعه صنعت و کارخانه‌ها از پربسامدترین واژه‌های مقالات اقتصادی روزنامه‌های مورد تحقیق هستند که رسانه سعی دارد با اشتراک آن

۴۴. روزنامه بهار، ش ۱۳، ۲۵ شوال ۱۳۳۶، ۱.

۴۵. وطن دوست، بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه، ۱۳.

۴۶. روزنامه طوس، ش ۲۴، ۱۳ صفر ۱۳۲۸، ۴.

۴۷. خورشید، ش ۹، ۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۵، ۷؛ ش ۱۰، ۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۵، ۱-۲.

۴۸. روزنامه طوس، ۳۶، ۳ ربیع الاخر ۱۳۲۸، ۲.

در جامعه به تهییج آن و تغییر سوژه رویه اقتصادی پردازد و مرور محتوای روزنامه‌ها موفقیت این رژیم حقیقت جدید را تاندازه‌ای روشن می‌سازد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که روزنامه‌ها با پیوند زدن استقلال اقتصادی به غیرت دینی، رژیم حقیقتی تولید کردند که در آن خرید کالای خارجی به مثابه تضعیف اسلام بازنمایی می‌شد. «این سستی را سبب چیست و این توانی را جهت چه؟ شما را بخدا اگر بیکارها و بیعارهای شما عسکر اسلام باشند و حفظ سعور مسلمانان نمایند بهتر از بیکاری و بیماری نیست؟ اگر گداهای بی معرفت که عالمی را به تنک آورده‌اند کاسب و نمازگزار باشند و دنبال کار معاش و معاد خود بروند بهتر از گدائی و در بدری نیست...».^{۴۹} این رویکرد، پاسخی بود به فقر و فشار مالی حاکم بر جامعه که از طریق گفتمان «ترقی» و «توسعه بومی» به چالش کشیده می‌شد.

۲-۴- استراتژی‌های گفتمانی: شیوه‌های تولید حقیقت

تحلیل دقیق متون نشان می‌دهد که مطبوعات مشهد از سه استراتژی اصلی برای پیشبرد گفتمان مدرنیته استفاده می‌کردند:

۱-۴-۲- استراتژی شمول و طرد

نشریات با «خرافه» خواندن برخی سنت‌ها، آن‌ها را از دایره رژیم حقیقت خارج کرده و دانش جدید را به‌عنوان تنها راه «سعادت و ترقی» معرفی می‌کردند. «حال که بحمدالله بعد از هزار و سیصد سال مردهای ما در خیال مسلمانان افتاده‌اند در هر مجلسی صحبت از علم و اتحاد و مساوات و مشروطه است خصوصاً در عشق آباد که مردهای با غیرت ما شب و روز در خیال ترقی ملت می‌باشند و بنای مکتب و انجمن خیریه گذارده‌اند ما هم من بعد پولهاینکه بفال بین و جن گیر می‌دادیم و موهوم جهت خود می‌خریدیم در راه تربیت اطفال بی‌گناه خودمان خرج نمائیم».^{۵۰}

۲-۴-۲- استراتژی تلفیق

برای کاهش مقاومت در بافت مذهبی مشهد، مفاهیمی چون «حریت» با «عدالت اسلامی» پیوند زده می‌شد. برای مثال، قیام عاشورا به‌عنوان الگویی برای آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی بازنمایی می‌شد. «فوائد ملی عزاداری همه ساله شیعیان در ایام عاشورا برای پیشرفت و قوت مذهب تشیع به‌خوبی معلوم می‌شود و هر قوم و ملتی که بنیان ملت و قومیت خود را محکم بخواهد باید در اقدام به مراسم اعیاد ملی بیشتر سعی

۴۹. خورشید، ش ۶۱، ۲۷ رمضان المبارک ۱۳۲۵.

۵۰. روزنامه خورشید، ش ۵۷، ۱۴ رمضان ۱۳۲۵، ۳.

علیزاده و دیگران؛ گفتمان‌های سنت و مدرنیته در مطبوعات مشهد عصر مشروطه: بازنمایی گفتمان‌های .../۲۱۳

و کوشش کند...»^{۵۱} ارزش‌هایی مانند احترام به گذشتگان، پاسداشت بزرگان و قهرمانان و حفظ تاریخ و هویت گذشته نشان‌دهنده نگرش سنت‌گرا است. درعین حال، به‌ضرورت الگوگیری از مناسبت‌های دینی برای توسعه و پیشرفت اشاره شده که جنبه‌ای از نگاه مدرن را نیز در خود دارد.

۲-۴-۳- استراتژی سلب مشروعیت

مطبوعات با برجسته کردن «فساد اداری» و «ناکارآمدی ساختار قدیم»، رژیم حقیقت‌پیشین را بی‌اعتبار کرده و مشروطه را به‌عنوان تنها راه نجات معرفی می‌کردند. «آنهايي که از دولت خود تاسيس یک اداره قانونی منظمی را خواسته بودند نظر بمفاسدی بود که در روش گذشتگان یافته بودند و نظر بحیف و میل‌هایی بود که می‌شد و نظر بسرفتهایی بود که بوسیله قره‌سوران‌ها در تمام طرق و شوارع روی می‌داد - و باز نظر به پول‌هایی بود که این طایفه از عابرين فقير و مالدارها دریافت می‌داشتند. ... پس باید تشکیلات ژاندارمری را روح داد حقوق قره‌سورانی باید منسوخ شود».^{۵۲}

۳- سازوکارهای گفتمانی روزنامه‌های دوره مشروطه مشهد در تطبیق با نظریه فوکو

جدول ۲- سازوکارهای گفتمانی در بازنمایی مدرنیته (منبع: نگارنده)

حوزه	سازوکار گفتمانی	نمونه‌های بازنمایی در مطبوعات	تحلیل از منظر نظریه فوکو
اقتصادی	گفتمان توسعه‌گرایی و اقتصاد بومی	تأکید بر ترویج بانک ملی، حمایت از تولید داخلی، تقبیح وابستگی اقتصادی	تکوین رژیم جدید حقیقت اقتصادی که بر پایه «عقلانیت مدرن» و «پیشرفت مادی» استوار است؛ جایگزینی نگاه دینی-وقفی به منابع با گفتمان مالی و تولیدی
اجتماعی	گفتمان آگاهی‌بخشی و حقوق اجتماعی	آموزش عمومی، مشارکت زنان در مسائل مالی (مانند خرید سهام بانک ملی)، نقد	بازتعریف سوژه اجتماعی بر مبنای فردی آگاه، مسئول و دارای حق؛ مقاومت در برابر رژیم سنتی حقیقت

۵۱. روزنامه خورشید، ش ۲۶، ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵، ۲.

۵۲. روزنامه بهار، ش ۶۱، ۴ شعبان ۱۳۳۷، ۱.

		خرافات، تأکید بر بهداشت و مدرسه	مبتنی بر اطاعت و تقلید
سیاسی	گفتمان مشارکت و قانون‌گرایی	حمایت از مجلس، تبلیغ مشروطه، نقد استبداد، ترویج انجمن‌های ایالتی	اعمال قدرت از مسیر مشروع‌سازی ساختارهای جدید (مجلس، انجمن، قانون) که با گفتمان‌های مشروعیت‌بخش سنتی (مانند بیعت با شاه) در تقابل است

جدول ۳- سازوکارهای گفتمانی در دفاع یا بازتولید سنت (منبع: نگارنده)

حوزه	سازوکار گفتمانی	نمونه‌های بازنمایی	تحلیل از منظر نظریه فوکو
اقتصادی	گفتمان عدالت‌طلبی شرعی	اعتراض به فشارهای اقتصادی، حمایت از صنوف سنتی، ذکر واژگانی چون «حلال»، «انصاف»	تداوم رژیم حقیقت فقهی در امور مالی؛ گفتمان عدالت مالی با خاستگاه دینی و اخلاقی جایگزین گفتمان صرفاً اقتصادی نمی‌شود
اجتماعی	گفتمان اخلاق و عرف دینی	دفاع از حجاب، خانواده سنتی، نقد بی‌عفتی ناشی از «فرنگی‌مآبی»	چالش با سوژه مدرن؛ بازنمایی زن و مرد مطلوب در چهارچوب گفتمان‌های نظارت سنتی (مانند خانواده، دین، جماعت مؤمن)
سیاسی	گفتمان مشروعیت دینی	همراهی علما با مشروطه، دفاع از روحانیت، نقش علما در انجمن‌ها	ترکیب گفتمان دینی با گفتمان مشروطه؛ مشروع‌سازی قدرت نوین از مسیر فقه و مرجعیت دینی به‌عنوان «رژیم حقیقت» مقبول

از منظر نظریه فوکو، مطبوعات مشروطه مشهد با بهره‌گیری از تکنیک‌های بازنمایی، نظام دانایی نوین را صورت‌بندی کردند که از خلال آن، سوژه ایرانی جدید، نه در تقابل کامل، بلکه در تنش دائم با سنت ساخته شد. سازوکارهای گفتمانی این مطبوعات هم مشروعیت‌بخش سنت بودند و هم به‌طور فعال در

چالش با آن از مسیر نهادهای مدرن مشارکت داشتند.

۴- تحلیل تطبیقی نشریات مورد مطالعه

یافته‌ها نشان می‌دهد روزنامه‌ها تلاش کرده‌اند گفتمان‌های ترکیبی را ارائه کنند که از یک سو به مشروع‌سازی عناصر مدرن (آموزش، حقوق، قانون، تجارت نوین) پرداختند و از سوی دیگر برای جذب مشروعیت اجتماعی سنتی به آن‌ها پوشش اخلاقی یا شرعی دادند.

۴-۱- طوس و جهان زنان

این دو نشریه، جسورانه‌ترین رویکردها را در تولید رژیم حقیقت مدرن داشتند. آن‌ها مفاهیم «حقوق»، «مشروطه» و «تغییر ساختار» را با صراحت بیشتری طرح می‌کردند. روزنامه طوس رویه‌ای روس ستیزانه با رویکرد ایرانیت و قانون‌گرایی داشت. در مقاله‌های متعدد به هویت ایرانی اشاره دارد. قانون و احترام به آن جایگاه ویژه‌ای در روزنامه دارد. روس دشمن اصلی ایرانی‌ها و چهره استعماری معرفی می‌شود. گفتمان سیاسی این روزنامه‌ها پررنگ‌تر است و اقتصاد بومی را مورد توجه دارد. جهان زنان را فرخ دین پارسا برای آشنایی زنان با حقوق خویش بنیان نهاد. در این نشریه بر حق تساوی زن و مرد، آموزش، مشارکت اجتماعی زنان تأکید می‌شد. معتقد بود زن به‌عنوان مادر اگر نباشد اجتماعی حاصل نمی‌شود.^{۵۳}

۴-۲- خورشید و بشارت

خورشید روزنامه میانه‌رو قبل از استبداد صغیر توسط محمدصادق تبریزی چاپ شد. این نشریه با گفتمان سیاسی مدرنیته پیوند داشته و به‌گونه‌ای بومی‌سازی شده از مفاهیم جدید، مانند قانون، مجلس، ملت و حقوق مدنی سخن می‌گفت. محتوای روزنامه نشان می‌دهد که چگونه مطبوعات نه تنها بازتاب‌دهنده وضعیت اجتماعی، بلکه فعالانه در تولید گفتمان مشارکت داشته‌اند. روزنامه بشارت اولین روزنامه مشروطه‌خواه مشهد روزنامه‌ای دینی است با رویکرد اجتماعی به نقد وضع مشهد پرداخته، به تأسیس مدارس جدید اشاره دارد. رژیم حقیقت آن تکیه بر تعلیم و تربیت با نگاه به سنت و نقش دین بود. روزنامه بشارت و خورشید رویکرد معتدل داشتند و سعی می‌کردند میان سنت مذهبی مشهد و مفاهیم مدرن نوعی تعادل برقرار کنند.

۴-۳- بهار و شرق ایران

روزنامه بهار در دوره مشروطه ضد استعمار، ملی‌گرا و وطن‌پرست بود. دولت انگلیس بیشترین برخورد با این روزنامه را داشته و اشعار بسیاری در دفاع از وطن چاپ کرده است. محتواهای مهم روزنامه را

۵۳. جهان زنان، ش ۳، ۱۵ دلو ۱۲۹۹، ۷۰-۷۲.

ریشه‌کنی فساد، اصلاحات اجتماعی، نقد دولتمردان در اطاعت از خارجیان می‌داند. شیخ احمد بهار آن را برای دفاع از مشروطه و مبارزه با خرافه‌ها و ترویج علم و ترقی خراسانی‌ها چاپ می‌کرد. روزنامه شرق ایران دارای مضامین سیاسی علمی، ادبی و اخلاقی بود. از ناکارآمدی فرمانروایان قدیمی و فساد حاکم بر خراسان انتقاد می‌شد، به ضرورت حاکمیت قانون، امنیت، عدالت و استفاده از ابزارهای مدرن حکومتی مانند ژاندارمری و بانک تأکید دارد. مشکلات اقتصادی، قانون، اصلاحات، عدالت اجتماعی و سیاسی، فساد اداری، آموزش اجباری و ازگان پرتکرار این روزنامه هستند. از سنت‌های دینی به‌عنوان الهام‌بخش حرکت‌های اجتماعی و انقلابی بهره می‌گیرد. مدرنیته در قالب ایده‌هایی مانند اصلاحات اداری، حفظ استقلال، ترویج علم و مقابله با استبداد تجسم یافته است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که مطبوعات مشهد در این دوران، صرفاً طراح یا ناقل گفتمان‌های مدرن نبودند، بلکه به مثابه «تکنولوژی‌های قدرت»، نقشی کلیدی در تولید رژیم حقیقت جدید ایفا کردند. این رسانه‌ها با بازتعریف مفاهیم بنیادین، سعی در گسست از نظام دانایی سنتی و استقرار نظمی داشتند که در آن «قانون»، «عدالت» و «حقوق» بر مدار دانشی نوین صورت‌بندی می‌شد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، تبیین فرآیند «سوژه‌سازی» در متن مطبوعات است. تحلیل گفتمانی نشان می‌دهد که مطبوعات (به‌ویژه طوس، شرق ایران و خورشید) از طریق «اراده به دانش»، در پی برساختن سوژه‌ای بودند که از جایگاه «رعیت» تابع محض به جایگاه «ملت» صاحب حق گذار کند. بنابراین، مفاهیمی چون «حقوق شهروندی» به مثابه یک «آرمان گفتمانی» برای تولید انسان ایرانی جدید واکاوی شده‌اند.

در حوزه زیست سیاست، یافته‌ها مؤید آن است که مطبوعات مشهد نطفه‌های اولیه مدیریت جمعیت و بدن را از طریق تأکید بر «بهداشت عمومی» و «آموزش نوین» پی‌ریزی کردند. اگرچه تحقق عینی این ساختارها در ابعاد گسترده به دوره پهلوی اول بازمی‌گردد.

یافته‌ها نشان داد که مطبوعات مشهد برای غلبه بر مقاومت‌های سنت، از استراتژی «تلفیق» بهره می‌بردند؛ به این معنا که مفاهیم مدرنی چون «آزادی» و «قانون» را با آموزه‌های دینی و اسطوره‌های مذهبی (مانند قیام عاشورا و عدالت علوی) پیوند می‌زدند تا برای جامعه مذهبی مشهد مشروعیت تولید کنند.

در حوزه اقتصاد، مطبوعات مشهد با تولید گفتمان «استقلال» و «سرمایه‌داری بومی»، در برابر نفوذ استعمار ایستادگی کردند. آن‌ها با استفاده از واژگانی چون «حلال» و «انصاف»، رژیم حقیقتی را تولید

علیزاده و دیگران؛ گفت‌وگوهای سنت و مدرنیته در مطبوعات مشهد عصر مشروطه: بازتابی گفت‌وگوهای ۲۱۷/...

کردند که در آن خرید کالای داخلی نه یک انتخاب اقتصادی، بلکه یک وظیفه گفت‌وگویی و ملی بازتابی می‌شد.

در نهایت، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مطبوعات مشهد در بازه ۱۳۰۴-۱۲۸۵ ش، موفق شدند گسستی جدی در نظم گفتار سنتی ایجاد کنند. اگرچه ناکامی‌های سیاسی و ساختارهای سنتی مانع از تحقق عینی تمام آرمان‌های مشروطه شد، اما دانش تولید شده در این رسانه‌ها، زیربنای فکری تحولات بعدی را شکل داد.

مطبوعات مشهد در عصر مشروطه، حکم «آینه‌هایی» را داشتند که برخلاف آینه‌های معمولی، به جای بازتاب دادن چهره واقعی و غبارآلود جامعه (سنت و فقر)، تصویری از «چهره مطلوب» (مدرنیته و قانون) را به نمایش می‌گذاشتند. اگرچه جامعه در آن زمان هنوز به آن تصویر بدل نشده بود، اما نگاه کردن مداوم به این آینه، به تدریج میل به تغییر را در ذهن نخبگان و سوژه‌ها بارور کرد.

فهرست منابع

- آجودانی، لطف‌الله. «انقلاب مشروطه و اندیشه تجدد». یادایم، ش. ۵۹، ۱۳۸۹.
- احمدی، حمید و ملیحه خوش‌بین. «مشروطیت در مشهد: زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه». تاریخ اسلام و ایران، دوره جدید، ۲۱ (۱۱۱) (بهار ۱۳۹۳): ۵-۳۴. <https://doi.org/10.22051/hii.2014.785>
- آدمیت، فریدون و هما ناطق. افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار. تهران: آگاه، ۱۳۹۸.
- آرشیو روزنامه بشارت مشهد (۱۳۲۴-۱۳۲۵ ه.ق).
- آرشیو روزنامه بهار مشهد (۱۳۳۶-۱۴۴۰ ه.ق).
- آرشیو روزنامه خورشید مشهد (۱۳۲۵-۱۳۲۷ ه.ق).
- آرشیو روزنامه شرق ایران مشهد (۱۳۳۴-۱۳۳۹ ه.ق).
- آرشیو روزنامه طوس (۱۳۲۸ ه.ق).
- آرشیو نشریه جهان زنان مشهد (۱۲۹۹ ه.ق).
- بشیری، احمد. کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس از انقلاب مشروطه ایران. تهران: نی، ۱۳۶۲.
- بیطرفان، محمد. «بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید (دوره مشروطیت)». مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ش. ۴ (۱۳۹۳): ۳۳-۷. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26766116.1393.8.4.1.8.>
- ترابی فارسانی، سهیلا. زن ایرانی در گذر از سنت به مدرن (مجموعه مقالات). تهران: نیلوفر، ۱۳۹۷.

حسینی زاده، سید محمد علی. «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی». علوم سیاسی، ش. ۲۸ (۱۳۸۳): ۱۸۱-۲۱۲.
داوودی، علی اصغر. «نظریه گفتمان و علوم سیاسی». فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، ش. ۸ (۱۳۸۹): ۵۱-۷۴.

دریفوس، هیوبرت و پل رابینو. میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.

رسول اف، رامین و کرامت الله راسخ. «نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های روح القدس و صوراسرافیل». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش. ۵۰ (۱۳۹۷): ۱۳-۳۴.

روزنامه مجلس، سال اول، شماره ۵۴ ۱۵ شوال ۱۳۲۴ق.
زمردیان، زینب و غلامرضا وطن دوست. «زنان و حقوق نیافته در روزنامه‌های تمدن، خورشید و کوكب دری». پژوهش‌های علوم انسانی، ش. ۳۳ (۱۳۹۳): ۱۸۹-۲۱۷.

صحت منش، رضا. «انگیزه‌ها و اهداف تأسیس کنسولگری بریتانیا در مشهد در عصر قاجار». <https://doi.org/10.22051/hii.2021.37482.2521>. ۱۲۷-۱۰۱ (۱۴۰۱): ۵۳. [ش. ۵۳ \(۱۴۰۱\): ۱۲۷-۱۰۱](https://doi.org/10.22051/hii.2021.37482.2521)

عباسی جواد و علی نجف‌زاده. «طلاب قفقازی و نقش آنان در تحولات سیاسی - اجتماعی مشهد در اواخر عصر قاجار (حدود ۱۳۲۰-۱۳۳۰ق. / ۱۹۰۲-۱۹۱۱م.)». گنجینه اسناد، ش. ۸۰ (۱۳۸۹): ۴۴-۶۰.
فرکلاف، نورمن. تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها)، ۱۳۹۰.

گودرزی بروجردی، معصومه و مینا معینی. «بازانگاری و تحلیل ساختار طبقات اجتماعی مشهد در آستانه انقلاب مشروطیت (بر اساس اسناد کنسولی)». پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ش. ۱ (۱۴۰۱): ۱۹۵-۲۱۶.
متولی حقیقی، یوسف. تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تحولات سیاسی - اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی. مشهد: شورای اسلامی شهر مشهد، ۱۳۹۲.

ملک‌زاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: علمی، ۱۳۵۸.
میلز، سارا. میشل فوکو. ترجمه داریوش نوری، تهران: مرکز، ۱۳۸۹.
ناظم الاسلام کرمانی، محمد. تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
نصیری‌پور، الهام. «علوم اجتماعی: مناسبات دانش - قدرت در اندیشه میشل فوکو». فرهنگ پژوهش، ش. ۳ (۱۳۸۸): ۱۰۱-۱۲۰.

وطن دوست، غلامرضا. بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.

Boroujerdi, M. *Iranian Intellectuals and the West: The Tormented Triumph of Nativism*. Syracuse University Press, 1996.

Foucault, M. *The Archaeology of Knowledge*. Trans. A. M. Sheridan Smith. Routledge, 1969/2002.

Foucault, M. *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Trans. A. Sheridan. Penguin, 1971/1991.

Foucault, M. *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings*. Ed. C. Gordon. Pantheon Books, 1980.

Transliterated Bibliography

‘Abbāsī, Javād va ‘Alī Najafzādīh., "Tulāb Qafqāzī va Naqsh ānān dar Taḥavulāt Siyāsī- Ijtimā’ī Mashhad dar Avākhir ‘Aṣr-i Qājār(Hudūd 1902-1911/1320-1330). *Ganjīnih Asnād*. No. 80 (2010/1389): 44-60.

Ādamīyat, Firiydūn; Humā Nātiq. *Afkār Ijtimā’ī va Siyāsī va Iqtisādī dar Āsār Muntashir Nashudih Durān Qājār*. Tehran: Āgāh, 2019/1398.

Aḥmadī, Ḥamid va Maliḥih Khushbīn. "Mashrūṭiyyat dar Mashhad: Zamīnih-hā, Farāyand-hā va Siyāsāt-hā-yi Rūsiyih". *Tarikh Islām va Irān*, no. 21 (111) (spring 2014/1393): 5-34.

Ājūdānī, Luṭf Allāh. "Inqilāb Mashrūṭih va Andīshih Tajadud". *Yād Ayām*, no. 59, 2010/1389.

Ārshiv Nashriyih *Zanān Mashhad*. 1881/1299.

Ārshiv Rūznāmah *Bahār Mashhad*. 1917-2018/1336-1440.

Ārshiv Rūznāmah *Bishārat Mashhad*. 1906-1907/1324-1325.

Ārshiv Rūznāmah *Khūrshīd Mashhad*. 1907-1909/1325-1327.

Ārshiv Rūznāmah *Sharq Irān Mashhad*. 1915-1920/1334-1339.

Ārshiv Rūznāmah *Ṭūs*. 1910/1328.

Bashīrī, Aḥmad. *Kitān Ābī, Guzārish-hā-yi Maḥramānih Vizārat Khārijih Ingilis az Inqilāb Mashrūṭih Irān*. Tehran: Niy, 1983/1362.

Biṭarafān, Muḥammad. "Barrisī Shiklī va Muḥtavāyī Rūznāmah Khūrshīd (Dūrih-yi Mashrūṭiyyat)". *Muṭālī‘āt-i Farhangī Ijtimā’ī Khurāsān*. No. 4 (2014/1393): 7-33.

Dāwūdī, ‘Alī Aṣghar. "Nazāriyih-yi Guftimān va Ulūm-i Siyāsī". *Faṣlnāmih-yi Muṭālī‘āt Siyāsī*, yr. 2, no. 8 (2011/1389): 51-74.

Dreyfus, Hubert va Paul Robinho. *Michel Foucault: Farāsīy Sāhtārgirāyī va Hermeneutics*. Translated by Ḥusayn Bashīriyah. Tehran: Nashr-i Niy, 2010/1389.

- Fairclough, Norman. *Taḥlil-i Intiqādī Guftimān*. Translated by Pīrūz Izadī et al. Tehran: Daftar Muṭāli'āt va Barnāmihrizī Risābih-hā (Markaz Muṭāli'āt va Taḥqīqāt Risābih-hā). 2011/1390.
- Gūdarzī Burūjirdī, Ma'sūmah va Mīnā Mu'īnī. "Bāzingārī va Taḥlīl Sāktār Ṭabaqāt Ijtimā'ī Mashhad dar Āstānīh Inqilāb Mashrūṭiyat (Bar Asās Asnād Kunsūlī)". *Pazhūhishnāmah Muṭāli'āt Asnādī va Ārshīvī*, no. 1 (2022/1401): 195-216.
- Ḥusaynizādīh, Sayyid Muḥammad 'Alī. "Nazāriyih-yi Guftimān va Taḥlīl Siyāsī". *Ulūm Siyāsī, Baqir Al-Ulum University (AS)*, no. 28 (2004/1383): 181-212.
- Malikzādīh, Mahdī. *Tārikh Inqilāb Mashrūṭiyat Irān*. Tehran: 'Ilmī, 1979/1358.
- Mills, Sara. *Michel Foucault*. translated by Dāryūsh Nūrī. Tehran: Markaz, 2011/1389.
- Mutiwalī Ḥaqīqī, Yūsuf. *Tārikh Mu'āshir Mashhad: Pazhūhishī Pirāmūn Taḥavulāt Siyāsī Ijtimā'ī Mashhad az Inqilāb Mashrūṭih tā Inqilāb Islāmī*. Mashhad: Shūrāy Islāmī Shahr Mashhad, 2013/1392.
- Naṣīrīpūr, Ilhām. "Ulūm Ijtimā'ī va Munāsibāt Dānish -Quḍrat dar Andīshih-yi Michel Foucault". *Farhang Pazhūhish*. No. 3 (2010/1388): 101-120.
- Nāẓim al-Islām Kirmānī. *Tārikh Bidārī Irānīyān*. Tehran: Amīr Kabīr, 1992/1371.
- Rasūl Uf, Rāmīn va Karāmat Allāh Rāsikh. "Naqsh Siyāsī Ijtimā'ī Maṭbū'āt dar Inqilāb Mashrūṭiyat bā Rūykard Taḥlīl Muḥtavā-i Sar Maqālīh-hā-yi Rūznāmāh-hā-yi Ravḥ al-Qusus va Šūr Isrāfīl". *Muṭāli'āt-i Farhangī va Irtibāṭāt*, no. 14 (50) (2018/1397): 13-34.
- Rūznāmāh *Majlis*, yr. 1, no. 54, 1906/12/2; 1324/10/15.
- Šihātmanish, Rizā. "Angīzih-hā va Ahdāf Ta'sīs Kunsūlgarī United Kingdom dar Mashhad dar 'Aṣr-i Qājār". *Tārikh Islām va Irān*, no. 32 (2022/1401): 101-127.
- Turābī Fārsānī, Suhiylā. *Zan Irānī dar Guzar az Sunat bi Mudīrn (Majmū'ih-yi Maqālāt)*. Tehran: Nīlūfar, 2018/1397.
- Vaṭān Dūst, Ghulām Rizā. *Barrisī Muqūyat Zan Irānī dar Nashriyāt Mashrūṭih*. Tehran: Mū'assisa-yi Taḥqīqāt va Tawsi'ah 'Ulūm-i Insānī, 2008/1387.
- Zumrudīyān, Ziyānab va Ghulām Rizā Vaṭandūst. "Zanān va Ḥuqūq Nū Yāftih dar Rūznāmāh-hā-yi Tamadun, Khūrshīd va Kūkab Durī". *Pazhūhish-hā-yi 'Ulum Insānī*, no. 6(33) (2014/1393): 189-217.